

جنجال یارانه و تعرض به معیشت طبقه کارگر

طرح یارانه ها که توسط دولت احمدی نژاد در دستور گذاشته شد، در تاریخ 19 مهر ماه به تصویب مجلس اسلامی رسید. اجرای کلیه مفاد طرح یارانه ها قرار است طی برنامه ای 5 ساله به سرانجام برسد. کاربست عملی این طرح از فروردین 1389 شروع خواهد شد. اولین بازتاب تصویب طرح بالا رفتن آبی قیمت کالاهای از جمله نان و اقلامی از مواد پایه در بازارهای ایران بوده است.

لازم به ذکر است که حذف سوبسیدها که امروز تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" در دستور دولت قرار گرفته است، پروژه قدیمی جمهوری اسلامی است که از دوران رفسنجانی و بعد از جنگ با عراق وارد دستور شد. در دوره خاتمی نیز این برنامه در دستور بود، اما تا این دوره دولت رسماً نتوانست پای اجرای آن برود. در واقع کل جناحهای بورژوازی ایران و حتی جریاناتی از اپوزسیون بورژوازی نیز بر مثبت بودن اجرای این طرح و اهمیت آن برای اقتصاد ایران، توافق دارند.

برعکس همه ادعا و توجیهات دولت و ژورنالیسم بورژوازی، قطع سوبسیدها تعرض گسترده ای به سطح معیشت طبقه کارگر است برای سود آورتر کردن سرمایه است. بورژوازی ایران برای برتر کردن جیب خود و کشیدن بهره

فراخوان به مردم مبارز کردستان

با خواست، نه به اعدام و آزادی زندانیان سیاسی به میدان بیاید!

اعدام احسان فتحیان در 20 آبان ماه موجی از نفرت بر علیه جانین حاکم را برانگیخته است. مردم مبارز در شهر و روستا های کردستان این جنایت را محکوم کرده و در همدردی با خانواده احسان و برای جلوگیری از اعدام های بیشتر تنفر و اعتراض خود را اعلام میکنند. روز پنجشنبه 21 آبان سندج شاهد اعتراض مدافعان حقوق زندانیان سیاسی بود که در خیابان فردوسی این شهر تجمع کردند و ضمن محکوم کردن اعدام احسان، خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند.

جمهوری اسلامی دست به اعدام احسان فتحیان زد تا مردم را مرعوب کند. دست به اعدام زد و دیگر زندانیان را در تهدید به اعدام های بیشتر در انتظار گذشته است، تا صدای آزادیخواهی را در این جامعه خفه کند. جمهوری اسلامی میخواهد با جنایت افسارگسیخته، مردم مبارز در ایران و کردستان را سرکوب کرده تا به حاکمیت ننگین و نکبت بارش بر اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه ایران ادامه بدهد.

بیست سال پس از جنگ سرد

نهم نوامبر بیستمین سالگرد فروریختن دیوار برلین است.

بیست سال پیش مردمی در اروپای شرقی به امید آزادی و رفاه علیه دولت های خود برخاستند. جنبشی را شکل دادند اما از خود نپرسیدند که نهایت این جنبش چیست؟ حرف بورژوازی را پذیرفتند. سرمایه داری پیروزی این جنبش را به عنوان پیروزی آزادی بر انقیاد و پیروزی رفاه بر عسرت اعلام کرد. اما برای بخش اعظم بشریت نه از آزادی خبری شد و نه از امنیت و برابری. دنیا هنوز دارد تاوان این پیروزی را میدهد.

آفریقا در چنگال کمپانی های مختلف به فقر سناریو سیاه فرو رفته است، عراق، افغانستان و جوامع اسلام زده،



مورد نداشتیم. مصاحبه زیر را که بیست سال پیش نشریه کارگر امروز با منصور حکمت انجام داد میتوان به عنوان شهادی بر این مدعا دوباره انتشار داد.

منصور حکمت

تحولات اروپای شرقی و آینده سوسیالیسم کارگری

سخنگوی دولت ها تبدیل شده است.

اما واقعیت امروز جهان نشان میدهد که اگر امیدی به آزادی و برابری و امیدی به رفاهی از برگی مزدی وجود دارد این امید جز امید به کمونیسم طبقه کارگر و کمونیسم مارکس نیست. هیچ جنبش دیگری منفعتی در پایان این مصیبت ندارد. ما همان روز توهمی در این

علی نجاتی:

به حمایت شما نیاز داریم

کارگران!

تحمیل خواهد کرد. ما برای به دست آوردن حقوق خود و دفاع از مطالبات بر حق و کارگران هفت تپه و به دست آوردن کمترین امکانات معیشت و حقوق انسانی تلاش کرده ایم. اما ما محکوم و زندانی میشویم. ما در چند روز پیش نیز نامه ای سرگشاده به سازمان جهانی کار نوشتیم و رونوشت آن را به تمام نهاد های کارگری و حقوق بشری و رسانه ها، ارسال کردیم. ما میدانیم که اکنون در زندان دزفول محبوس میباشند. دستگاه قضایی در چند روز آینده، دوره ی حبس مرا نیز به من

تا به امروز چهار نفر از اعضای هیات مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر روانه ی زندان شده اند و هم اکنون در زندان دزفول محبوس میباشند. دستگاه قضایی در چند روز آینده، دوره ی حبس مرا نیز به من

امروز، روز حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه است

سرانجام دادگاه جمهوری اسلامی سرمایه در دفاع از نظام بردگی مزدی و در دفاع از سود بری سرمایه فعالین و رهبران کارگران هفت تپه را محکوم و آنها را سابتهای مختلف منتشر شده است را برای رساندن صدای حق طلبانه کارگران هفت تپه به گوش تمام کارگران باید منتشر کرد و باید هر فعال کمونیست و هر رهبر کارگری همت کند و این صدا را به گوش همه کارگران ایران و جهان برساند، همه جناح های جمهوری اسلامی را رسوا کند، اتحاد درون صف طبقه کارگر را بالا ببرد و کارگران هفت تپه را مورد گرمترین حمایتها قرار دهد.

مظفر محمدی

سیر قهقرایی حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بقیه یارانه

از گرده طبقه کارگر باید سرمایه بیشتری را جلب کند و برای این کار باید سود آوری سرمایه را در ایران افزایش دهد. افزایش سود آوری سرمایه در ایران اساساً از طریق ارزان کردن نیروی کار کارگر یعنی تعرض به معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان ممکن است. زدن یارانه ها در هر شکل قیمت مواد مورد نیاز مردم را بالا میبرد. اگر هر بورژوا و خرده بورژوازی میتواند با بالا بردن قیمت کالایش این افزایش قیمت را حیران کند، کارگر که مزد میگیرد با همان دستمزد بخش کوچتری از مایحتاج خود را میتواند تامین کند.

کبسه دولت خواهد رفت و 50 درصد دیگر را به صورت یارانه به مردم خواهند داد و تا همینجا میلیاردها دلار سود خواهند برد.

این طرح راه آشنای سرمایه داران بزرگ و دولتهای دست راستی در دنیا بوده است و دولت دهم و بقیه دولتهای ایران آن را کشف نکرده اند. صاحبان این طرح قبل از هر کس امثال ریگان و تاجر بودند. این طرح توسط دولتهای غربی و راستترین جناحهای بورژوازی و احزاب آنها، سالهاست به میدان جدال دولتهای غربی با طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه تبدیل شده است. احزاب دسته راستی در کشورهای مختلف سالیان سال است همین برنامه را برای زدن رفاهیات اجتماعی در جدالی روزانه و قدم به قدم به مردم تحمیل کرده اند. با خصوصی سازی و قطع کمکهای دولتی و امکاناتی که برای کل مردم از بهداشت و درمان و مدرسه و ... با سالها تلاش و مبارزه مردم به دست آمده بود، فقر و محرومیت را به طبقه کارگر و اقشار پایینی جامعه تحمیل کردند.

طرح هدفمند کردن یارانه ها و اجرای آن جز فقر و محرومیت بیشتر برای طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه و سودآوری بیشتر برای صاحبان سرمایه را به همراه نخواهد داشت. درست به همین دلیل است همگی از جناح سیاه تا سبز جمهوری

اسلامی و همه اپوزسیون بورژوا با آن توافق دارند. نتیجه عملی این طرح پایین آمدن عملی مزد کارگران و رشد فوری بیکاری و همراه آن انشقاق و مسابقه برای تامین کار در میان کارگران است.

طبقه کارگر برای مقابله با این تعرض احتیاج به آمادگی و درجه بالایی از خودآگاهی و اتحاد در صفوف خود دارد. مخالف با اجرای این طرح تنها یک جنبه از ماجرا است. مسئله اساسی اهمیت تلاش برای بالا بردن سطح دستمزدها به تناسب بالا رفتن قیمتتها است. همزمان اتحاد حول خواست بیمه بیکاری مناسب برای تمام کسانی است که بالای 16 سال سن دارند. این ها میدنهای جدال طبقه کارگر برای تامین حداقل زندگی و مصافهایی است که در مقابل ما قرار دارند. میزان موفقیت ما در جهت پس زدن تعرض افسارگسیخته جمهوری اسلامی به سطح معیشت خود و ایجاد درجه ای از اتحاد حول مطالبات اساسی و سراسری طبقه کارگر از حق تشکل تا افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری، همگی مسائل و سوالات جدی است که در مقابل ما قرار دارند.

بقیه فراخوان به مردم....

مردم مبارز و حق طلب تبدیل کرد.

خواست مردم آزادی زندانیان سیاسی است و در هر تجمع و اعتراضی باید این را فریاد زد.

خواست مردم نه به اعدام است و باید خواهان لغو همه احکام جنایت کارانه اعدام شد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست مردم مبارز و فعالین کمونست و آزادیخواه در همه شهرهای کردستان را به شرکت فعال جهت سازماندهی اعتراض گسترده مردم، علیه حکم اعدام و

برای آزادی فوری زندانیان سیاسی را فرا میخواند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست همه مردم مبارز را فرا میخواند تا آنچنان درسی به جنایتکاران و جلادان جمهوری اسلامی بدهند تا هیچ گاه جرأت اعدام زندانیان سیاسی را بخود ندهند.

با شعار نه به اعدام و زندانیان سیاسی آزاد باید گردند، این مبارزه را به سنتی پایدار تبدیل کنیم

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

بقیه کارگران هفت تپه

میدانیم که قرار نیست کسی جز خود کارگران به داد خودشان برسد. اما ما اتمام حجت کردیم و از آنان پرسیدیم که آیا بیخبرید؟ آیا اقدامی خواهید کرد؟ میدانیم که نتیجه اقدام موثری از سوی آنان نخواهد بود. ما میدانیم که ایجاد تشکل های مستقل کارگری حق مسلم کارگران است

در حالی که کارفرماها آزادانه تشکل دارند، کارگرانی که تشکل های مستقل کارگری خود را بنا میکنند محکوم و زندانی میشوند. ما اعتقاد داریم به جز تلاش های خود کارگران و اتحاد و همبستگی میان آنان، ما کارگران موفق نخواهیم شد به خواسته ها و مطالبات خود دست یابیم. من و دیگر همکارانم در سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، برای مدت شش ماه در زندان محبوس خواهیم بود. در مدت هشت ماه ای که من را از کار اخراج کرده بودند کم نبودند کارگرانی که علاوه بر حمایت های

روحی خود، در حد توانشان کمک های مادی کردند. این کمک ها اگر چه بسیار کمتر از حقوق دریافتی سابق من بود اما برای من از هزاران بود زیرا نشان از ان داشت که کارگران به درستی میدانند که من و دیگر همکارانم برای دفاع از حقوق آنان تلاش میکرده ایم. به همین خاطر من بنا بر اعتقاد تنها کمکی که دریافت کردم کمکی از کارگران بود. مبلغ آن اگرچه کمتر از حدی بود که حتی سطح زندگی سابق مرا حفظ کند اما، بسیار با ارزش بود.

این کمک ها به جای هر نهاد و کسان دیگری مرا مدیون به همکاران کارگر من میکرد. امیدواریم که این امر به شکل یک سنت کارگری در میان دیگر کارگران رواج پیدا کند. تا

روزی که فقط من اخراج شده بودم، به همان کمک های دوستان کارگر آشنا با خود بسنده کردم. اما امروز

علاوه بر من چهار کارگر دیگر نیز از دریافت حقوق خود محروم میشوند. دوستان زیادی پرسیده اند که کارگرانی که امکان تماس چهره به چهره با خانواده های این پنج کارگر زندانی را ندارند چگونه میتوانند برای همبستگی کارگری، کمک های مالی خود را برای رساندن به خانواده هایشان به آنان برسانند. در ساعت 11:45

امروز پیش از آنکه دو نفر دیگر از دوستانم به دادگاه و زندان فرستاده شوند، با آخرین تماس و توافقی که با آنان و دیگر همکارانم انجام شد، قرار بر این شد که شماره حسابی به نام اینجان اعلام شود تا کمک های مالی ارسالی از سوی کارگران به آن واریز شود و از آن طریق، مبلغ کمک شده به خانواده های این پنج کارگر پرداخت شود. (که این شماره حساب متعاقباً اعلام میشود) ما میخواهیم به جای هر کمک مالی از هر طریق، فقط و فقط از حمایت های کارگری برخوردار شویم.

کارگران! امروز، روز حمایت از کارگرانی است که در هفت تپه برای احقاق مطالبات کارگری، تلاش کردند و از سوی کارگران هفت تپه به نمایندگی در یک تشکل مستقل انتخاب شدند و امروز تنها به خاطر دفاع از حقوق کارگری خود به زندان محکوم شده اند. بدون شک، فردا و فرداهای بعد که ما در زندان نباشیم، ما نیز در انجام این وظیفه ی کارگری سهیم خواهیم بود. پیشاپیش از حمایت ها و تلاش های کارگران هفت تپه و دیگر کارگران تشکر میکنم و امیدوارم با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود تلاش کنیم تا بتوانیم به حقوق و خواسته های برحق خود دست پیدا کنیم.

به امید اتحاد روزافزون کارگران
علی نجاتی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تحولات اروپای شرقی و آینده سوسیالیسم کارگری

برای تعیین تکلیف اینها خواهد بود.

کارگر امروز: چه تناقضات و سئوالاتی؟ اشفتگی به چه معنی؟

منصور حکمت: در تمام سطوح اقتصادی و سیاسی و فکری، واقعیت اینست که بویژه در تمام طول دوره پس از جنگ جهانی دوم تقابل مدلهای اقتصادی این دو بلوک و کشمکش سیاسی و فکری شان زندگی اقتصادی و سوخت و ساز سیاسی و فکری جهان غرب را قالب زده بود. سرمایه‌داری در غرب مهر این تقابل را در تمامی ابعاد بر خود داشت. نه فقط در آرایشها و وحدت‌های سیاسی و نظامی دولت‌ها، بلکه در تمامی سازمان تولید، استراتژی رشد و توسعه، و در کل سیستم فکری جهان غرب مهر این تقابل را میتوان دید. امروزه فقط پیمان ناتو نیست که با حذف عملی پیمان ورشو زیر سؤال می‌رود، فقط طرح بازار متحد اروپا بعد از سال 1992 نیست که باید با غربی شدن اروپای شرقی و وحدت دو آلمان کاملا مورد تجدید نظر قرار بگیرد، بلکه تمام خطوط سیمای انسان غربی باید باز تعریف بشود. تحولات شوروی و اروپای شرقی تقسیم کار جهان سرمایه‌داری بطور کلی را دچار ابهام میکند. با ادغام بازار کار و کالا در بلوک شرق در یک بازار واحد جهانی تمام معادلات اقتصادی تاکنونی که کشورهای مختلف و اقشار و طبقات مختلف در طول چند دهه جای خود را در آن پیدا کرده بودند از نو باید تعریف بشوند. این مسائل مجدداً باز میشوند و نیروهای اجتماعی برای به کرسی نشاندن پاسخ خود به مصاف با هم کشیده میشوند.

یک نمونه برجسته این اشفتگی در خود جامعه بورژوازی است. می‌گویند دموکراسی در این میان پیروز شده است. کدام دموکراسی پیروز شده است؟ آن مجموعه‌ای از باورها و نیت‌هایی که پروفیسورهای خوش قلب و رادیکال‌های سابق و غیره در ذهن خود دارند و تصور میکنند حرف آخر در آزادیخواهی بشر است، یا دموکراسی عملی، واقعی و فرموله‌ای که ایدئولوژی حاکم در غرب بود و چهار چوب فکری و تبلیغاتی "جهان آزاد" را میساخت؟ دموکراسی هیروشیما، جنگ سرد، کشتار در ویتنام، کودتاهای سیا، دیکتاتوریهای نظامی،

کمونیست هفتگی

اشغالگری، نژادپرستی و سرکوب اتحادیه‌های کارگری... دموکراسی نیکسون، تاچر، ریگان، تایمز و اکونومیست. بیرون از دانشگاه‌ها و محافل روشنفکران متوهم، این دموکراسی واقعی بعنوان ایدئولوژی حاکم در جهان غرب نیم قرن سیطره داشته است. این دموکراسی دقیقاً به مثابه ایدئولوژی رسمی غرب در این تقابل بین المللی، دست بالا را در نبرد افکار در جامعه بورژوازی داشته است. بدرجه‌ای که این تقابل از میان می‌رود، خود این سیستم فکری حاکم هم بی‌خاصیت میشود و جامعه بورژوازی در غرب از نظر فکری دچار شکاف و ابهام میشود. دوره‌ای که با تحولات شوروی و اروپای شرقی آغاز میشود دوره داغ‌ترین کشمکش هاست. مسأله دموکراسی بعنوان یک سیستم تفکر سیاسی و یک نظام اداری معین فکری و سیاسی در خود غرب برای بازبایی یک سیستم ایدئولوژیکی رسمی و یک چهارچوب فکری مسلط برای سرمایه‌داری معاصر است. در اروپای شرقی، در سرمایه داری دولتی، مکانیسم تغییر ریل اعلام پروستریکا و گلاسنوست‌ها توسط دولت است. در غرب، و در شرق نیز بدرجه‌ای بازار جای پای خود را سفت میکند، مکانیسم پیدا شدن چهارچوب‌های فکری و سیاسی جدید نبرد واقعی و بالفعل نیروها و گرایشات اجتماعی در سطوح مختلف است. این شروع شده، این را در انگلستان، آلمان، اسرائیل، شوروی، کشورهای خاورمیانه، آفریقای جنوبی و غیره میبینیم.

کارگر امروز: تاثیر این موقعیت بر جنبش طبقاتی و مبارزات کارگری چیست؟

منصور حکمت: به نظر من دهه نود بطور کلی دهه بالا گرفتن جنبش‌های اعتراضی کارگری در دل اروپا خواهد بود. به چند دلیل. اولاً، تعرض راست جدید، تاچریسم و اقتصاد ریگانی حدود یک دهه طبقه کارگر را زیر فشار گذاشته است. جزء لایتجزای این سیاست بریدن صدای تشکلهای کارگری نظیر اتحادیه‌ها بود که در سیستم قبلی جایی برای خود داشتند. زدن اتحادیه‌ها نه به اعتبار ورشکستگی سوسیالیسم دموکراسی و دست بالا پیدا کردن سیاسی و ایدئولوژیکی محافظه‌کاری جدید ممکن شده است. امروز عواقب مخرب این سیاستها برای کارگر، مانند بیکاری، از کف رفتن خدمات اجتماعی و غیره بیش از هر زمان محسوس شده و در عین حال انسجام سیاسی و ایدئولوژیکی راست از بین رفته است. در کل اروپا مسأله بیکاری و کار بدون تامین، مسأله ساعت کار و غیره دارد به یک نقطه تمرکز برای تحرک جدیدی در جنبش کارگری تبدیل میشود و در عین حال بورژوازی اهرم‌های پیشین خود برای ارعاب سیاسی و فکری جنبش کارگری و بسیج ضدکارگری اقشار میانی را از دست میدهد. ثانیاً، افول اتحادیه‌ها که لطمات فوری و مهمی در زندگی این نسل کارگران داشته در عین حال فضائی برای فکر تازه و روش‌های الترناتیو در سازمانیابی کارگری در اروپا بوجود آورده است. اعتراض رادیکال تر خارج از چهارچوب اتحادیه‌های موجود، براه افتادن حرکت‌هایی برای "دموکراتیزه کردن اتحادیه‌ها" یا اساساً ایجاد الترناتیوهای کارگری در برابر اتحادیه‌های تاکنونی، چپتی است که جنبش کارگری به خود گرفته است. این یعنی امکان بروز رادیکال تر و بنظر من کارگری تر اعتراضات و پیدا شدن جنبشهای کارگری که بتوانند واقعا به مسائل مبرم طبقه در این دوره دست بزنند. و بالاخره بنظر من یک عامل مهم اینست که با تحولات اخیر، کارگر امروزی هويت ویژه طبقاتی خود را بهتر حس میکند. همه دارند جشن دموکراسی میگیرند، کارگر آلمان شرقی و لهستانی، کارگر روسی در لیتوانی و استونی و غیره تازه دارد میفهمد که خود او را قرار است به نیش بکشند. برای کارگر اروپای غربی این دارد مفهوم میشود که پشت این قیل و قال در مورد حقوق بشر و دموکراسی بالاخره

خودش و فقط خودش، و بدون هیچ نوع انتظاری از خیل تحصیل کردگانی که کرسی‌های پارلمانی سوسیالیسم دموکراسی و پست‌های تخصصی اتحادیه‌ها را پر کرده‌اند، باید به فکر منفعت اقتصادی و حقوق سیاسی‌اش بعنوان کارگر باشد. این واقعیت که اقشار غیر کارگری و جنبش‌های غیر کارگری، از دموکراسی و سوسیالیسم دموکراسی تا جنبش محیط زیست و ناسیونالیسم و غیره دارند، در جدایی از کارگر و اندیشه‌های کارگری از هم سبقت میگیرند، کارگر امروز را به تعمق درباره هویت طبقاتی ویژه خود ناگزیر میکند. بنظر من دهه نود کارگر را در قامت سیاسی و مبارزاتی جدیدی در برابر خود خواهد یافت.

کارگر امروز: مارکسیسم چطور؟ موقعیت و دورنمای مارکسیسم را چگونه می بینید؟

منصور حکمت: مارکسیسم بعنوان یک اندیشه و نگرش کارگری به جهان و به مبارزه برای تغییر جامعه بنظر من تازه در این دوره میتواند به جلوی صحنه رانده بشود. تازه گریبان کارگر دارد از هزار و یک نوع شبه مارکسیسم طبقات دارا خلاص میشود. میدانم که این واقعه نه نتیجه تعرض فکری و عملی مارکسیسم و سوسیالیسم کارگری بلکه حاصل ورشکستگی اقتصادی و سیاسی قطب‌های شبه‌سوسیالیستی در برابر جناحهای دیگری از خود بورژوازی است. این را هم میدانم که این اوضاع عرصه را بهر حال بر جنبش سوسیالیستی و سوسیالیستی از هر نوع تنگ میکند. اما به هر حال، فشارهای ضدسوسیالیستی زودگذرند. نفس وجود سرمایه‌داری به سوسیالیسم کارگری، و نگرش و تئوری ویژه این جنبش یعنی مارکسیسم زمینه میدهد. تا کارگر و سرمایه دار هست مارکسیسم هم هست. اما اینبار این مارکسیسم به هر حال و طی هر روندی که پیش آمده، گریبان خود را از گرایشاتی که به این نام دنبال منافع غیرکارگری بوده اند خلاص کرده است. بعنوان یک مارکسیست، بعنوان یک فعال جنبش سوسیالیسم کارگری، شخصاً احساس میکنم راه پیشروی امروز بسیار بازتر است. از این گذشته اگر بناست جامعه بطور کلی از نو راجع به بسیاری از بنیادهای خود فکر کند، اگر بناست دهه نود دوران کشمکش افقهای اجتماعی در جامعه باشد و اگر بورژوازی می‌رود

سیر قهقرایی حزب کمونیست کارگری ایران

(از زبان تصاویر)

از سناریوی این دوره چه و بویژه پروسه عقبگرد حزب کمونیست کارگری ایران (حککا)، به عنوان خصلت نمای این بخش چه، باید یک فیلم مستند کوتاه 5 دقیقه ای و نه بیشتر، تهیه کرد. و چند ماه دیگر این فیلم را برای آموزش طبقه کارگر و کمونیست ها به عنوان درسی از تاریخ

قهقرای این چه نشان داد. چند ماه بعد یعنی زمانی که گرد و خاک ها فرومی نشیند، خیابان ها خلوت می شوند و موسوی در محافل سبزشان می نشیند و اندر معصومیت فاطمه و حسین 5 ساعت سخنرانی می کند و قول می دهد کتابی چاپ کند. و زمانی که کروبی از وزارت کشور اجازه یافته است

بقیه تحولات اروپای

تا در یک آشفتگی و خلاء ایدئولوژیکی گرفتار بشود، که بنظر من همه اینها خصوصیات این دهه خواهد بود، آن وقت مارکسیسم بعنوان یک افق معتبر بار دیگر به پیشاپیش جامعه رانده میشود. در این شک ندارم.

کارگر امروز: جنبشهای ناسیونالیستی در شوروی بالا گرفته است. آینده اینها چیست؟ آیا مورد استقبال جهانی قرار خواهند گرفت؟

منصور حکمت: یکی از گرایشات اجتماعی که با اضمحلال بلوک شرق یا به میدان گذاشته ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم یک عمر گرایش عزیز کرده در جامعه پورژوآئی بوده است. همه فریان پرچم کشورشان رفته اند و هیچکس بابت این بدترین نمونه محدودنگری و جدائی از خصلت عام و جهانی انسان، کسی را ملامت نکرده است. ناسیونالیسم امروز، مگر در برخی موارد، ربط مستقیمی هم با وجود ستم ملی پیدا نمیکند. سؤال بیشتر اینست که جدایی برای پورژوآزی این یا آن کشور از نظر منافع اقتصادی دراز مدت و توسعه منطقه ای اقتصاد، صرف میکند یا نه. کما اینکه جناح استقلال طلب در لیتوانی و استونی در قدم اول حقوق سیاسی اولیه کارگر روسی را از او سلب میکنند. بنظر من ناسیونالیسم مدافع رفع ستم ملی نیست. مدافع تجدید تعریف ملت بالا دست و پایین دست است

در مورد آینده خود این حرکات فکر میکنم با توجه به ادغام اقتصادی جهان سرمایه داری، و با توجه به اینکه پورژوآزی دارد نه به تفکیک دنیا به احاد ملی کوچک بلکه به الگوهای جدید برای بلوک بندی های

نداری بروی قرآن بخوانی، آنهایی که قوم و خویشی دارند اجازه دارند بروند. و به این ترتیب کربوبی اجازه قرآن خواندن هم نیافت!

ایران ای مرز پرگهر، ... جان من فدای خاک پاک میهنم...!

6- صحنه ششم - ...

اما از فیلم مستند مورد نظر بشنوید:

1 - صحنه اول - تصویر فیلم - حمید تقوایی را با این ادعا که حکمتیست های حزب کمونیست کارگری سوسیالیسم را برای امروز نمیخواهند، حزب را تعطیل میکنند و از اجتماع پناهندگان در آلمان را کنگره انقلاب اعلام میکنند.

2- صحنه دوم - حمید تقوایی در تلویزیون خود است. جنبش سبز را انقلاب خود اعلام میکند و اعلام میکند که: من رهبر این انقلابم! رهبر انقلاب مائیم!

3 - صحنه سوم : اصغر کریمی از رهبری حککا جلو دوربین "تلویزیون انقلاب" نشسته است و مردم را برای تعیین تکلیف انقلاب به نماز جمعه رفسنجانی فرامیخواند.

4- صحنه چهارم - همان اصغر کریمی در "تلویزیون انقلاب" در پاسخ به یک بیننده گیج شده که خود را سلطنت طلب معرفی می کند و می پرسد: "ما با شما جز در مواردی تفاوتی نداریم، اما می خواهیم بدانم که شما برای ایران نوع حکومت خاصی را مد نظر دارید یا هر چه مردم بخواهند؟"

اصغر کریمی با حدیث و صداقت یک دمکرات نجیب در جواب می گوید: هر چه مردم می گویند!

5- صحنه پنجم - میدان سرگلسستوری (segelstorg) استکهلم است و تعداد زیادی با پرچم های سبز جمع شده اند و در کنار آنها کادریهای حککا قرار دارند که همه با هم سرود ای ایران را می خوانند: ای

و صحنه آخر - در این جا، فیلم مستند تمام می شود و به عنوان نتیجه گیری، این طنز تلخ تاریخی بر صفحه تلویزیون ثابت می شود:

روی پلاکادی سبز رنگ به طول چند متر، تصاویر رهبران انقلاب سبز از چه به راست حمید تقوایی، مهدی کروبی و موسوی دیده می شوند که در آسمان تهران سرگردان است. در میان مه و ابرهای پشت این پرده سبز رنگ، پرچم سرخی که کم رنگ و نارنجی شده، تصاویر مارکس و انگلس و لنین به هنگام پیروزی انقلاب اکتربرا بر خود دارد.

این تعبیری تحلیلی و تصاویری بر مبنای تخیلات کسی نیست. این داستانی ساخته شده برای مخالفت نیست. این صحنه های واقعی و گویای تاریخ این دوره بخشی از چه و کمونیسم است که در حاشیه یک جنبش پورژوآیی و ارتجاعی سرنوشت عم چپی که سیاست و تاکتیک هایش در خدمت آن جنبش و شیوه ها و روش کار، موضوعات و سوزده های فعالیت و تبلیغش، نه مبارزه طبقاتی، بلکه بر مبنای تقویم یادبودهای تولد و شهادت امامان، روز قدس و نماز جمعه ها، تاسوعا و عاشورای حسینی و ... است. اما این سرنوشت کمونیسم و طبقه کارگر ایران نیست و نباید باشد. راه این دو از هم جدا است! این درسی است که کارگران آگاه و کمونیست ها از این رویداد عم انگیز می گیرند.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

هفتگی

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید